

مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران گفته نمی شود مملکت را با تعدادی آدم پخمه اداره کرد؛ کشور مجلس دائمی نمی خواهد و نمایندگی نباید شغل تلقی شود.

اصلاحات هیچ وقت مردمش را تنها نگذاشته است؛



برای اینکه این توسعه اقتصادی در ایران محقق شود و مسائل اقتصادی هم حل شوند باید کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی افزایش پیدا کند و ناکارآمدی های موجود باید جای خود را به کارآمدی دهند. اولین مساله این است که روابط خارجی ایران باید بازتعریف شوند. نمی شود در شرایطی که روابط ایران با جهان برقرار نیست و تا زمانی که مرادات ما با جهان عادی نیست کار دیگری انجام داد.

به گزارش اسپادانا خبر، سیدحسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفتگو با خبرنگاران گفت:

حتی اگر ترامپ هم برنده انتخابات شود، دیگر بعید است که با فرمان غلطی که در ۴ سال اولش با ایران برخورد کرد، برخورد کند. مشاوران ترامپ او را به اشتباه انداخته بودند که ایران از پا در می آید اما الان مشخص شده که ایران از پا در نمی آید، درست است که مردم سختی های زیادی کشیده اند اما هدف آنها یعنی فروپاشی در ایران اتفاق نیفتاد و نمی افتد هرچند مردم ایران در فشار و گرفتاری هستند به هر دلیل آن اتفاقی که آنها فکر می کنند نمی افتد چون این نظام مستحکم تر از آنچه است که آنها فکر می کنند. پس انتخابات آمریکا یک فرصت برای بازنگری در روابط خارجی کشور است.

او گفت:

رئیس جمهور موفق در ساختار فعلی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهوری است که بتواند قدرت رهبری را پشت سر دولت بیاورد. آقای روحانی در دور اول به حد زیادی موفق بود؛ برجام که مهمترین دستاورد دوره آقای روحانی است و آثار آن هم در دولت اول آقای روحانی آشکار شد، نتیجه ترکیب سه عنصر بود: اراده رئیس جمهور، به کارگیری بهترین دیپلمات های ایران و حمایت رهبری. کار به این مهمی بدون حمایت رهبری انجام نمی شد اما آقای روحانی این تجربه موفق دوران ریاست جمهوری خودش را در بقیه مسائل کشور ادامه نداد و از این موفقیت استفاده نکرد. شکاف بین رئیس جمهور و رهبری در ایران نه به نفع رهبری، نه به نفع رئیس جمهور و نه به نفع مردم است. بنابراین سیاست روشنی که ما به هرکسی که می خواهد رئیس جمهور آینده شود توصیه می کنیم این است که اگر نمی تواند در یک چهارچوبی حرکت کند که قدرت رهبری را پشت سر دولت بیاورد بهتر است که رئیس جمهور نشود تا مردم را معطل نکند. مردم کشور دیگر طاقت و توان این کشمکش ها را ندارند که مثلا بالاخره این FATF خوب است یا بد است. اینکه FATF خوب است یا بد است باید بین رئیس جمهور و رهبری نهایی شود. اگر لازم نیست چرا انقدر رئیس جمهور روی آن اصرار می کند و اگر لازم است چرا رهبری قانع نمی شود؟ این موضوع، اختلاف آقای روحانی با مجمع تشخیص نیست. ما طبق قانون اساسی یک مقامی به نام رهبری داریم که هماهنگ کننده قوای سه گانه است. مردم دیگر به تنگ آمده اند، صبح که بیدار می شوند همه کالاهایی که دیروز خریده اند ۱۰ الی ۱۵ درصد گران تر شده؛ این چه اداره ای است؟ یک جای کار اشکال دارد. اگر آقای روحانی نمی تواند کشور را اداره کند کنار برود و اگر می تواند ادامه دهد. با مردم و مصالح مردم و کشور نمی شود شوخی کرد. هرکسی که می خواهد وارد این میدان شود اگر می تواند با این مجموعه کار کند بیاید؛ زمانی که کاندیدها می خواهند رئیس جمهور شوند همه چیز خوب است و همه می گویند من این کار را می کنم اما زمانی که رئیس جمهور می شوند می گویند که به ما اجازه انجام این کارها را نمی دهند. ما ولایت فقیه، سپاه، شورای نگهبان، مجلس و قوه قضاییه داریم و ترکیب آنها و شرایطشان کاملا مشخص است.

مرعشی گفت:

این مردم گناهی نکرده اند که به امام خمینی اعتماد کردند و شاه را از صحنه بیرون کردند. این مردم گناه نکردند که از عقیده ما حمایت کردند، این مردم گناه نکردند که به آقای روحانی رای دادند، این مردم گناه نکردند که در انتخابات شرکت کردند، آنها می خواستند مسائلمان حل شود. چه فرهنگی بر ما حاکم شده است که همه چیز مهم است غیر از مسائل واقعی کشور؟ همه چیز مهم است غیر از مسائل مردم. صبح تا شب یک مشت آدم خودبین، متکبر، خودخواه و جاه طلب شلوغ کنند که جایگاه من کم یا زیاد است و همه هم جای بزرگ می خواهند و این وسط فقط مردم قربانی می شوند. امروز ایران فدایی می خواهد نه سیاستمدار متکبر یا سیاستمدار تمامیت خواه. مردم امروز به تعدادی جوانمرد و فداکار نیاز دارد که به صحنه بیایند و مملکت را درست کنند. اینهمه فساد اقتصادی، فساد اداری، فساد اخلاقی، خودکشی، بیکاری و فرار تحصیل کرده ها برای چیست؟ شما می دانید در دانشگاه ها حتی دانشجویان میانی (نه دانشجویان تاپ)، معدلی بالای ۱۹ دارند چون می خواهند معدل های خوب داشته باشند تا بتوانند پذیرش بگیرند و از ایران بروند؛ نمی شود که مملکت را با تعدادی آدم پخمه اداره کرد؛ مملکت به آدم های تحصیل کرده و با استعداد نیاز دارد. شما ببینید در این چند سال اخیر چقدر پول از کشور خارج شده تا عده ای بروند و پاسپورت ترکیه بگیرند؛ این بود نتیجه سند چشم انداز ۱۴۰۴ که ما قرار بود اقتصاد برتر در دنیا شویم؟ بیش از ۱۵ سال است که اقتصاد ایران روی ۴۵۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی درجا زده است. معلوم است زمانی که رشد اقتصادی نیست فرصتی برای یک جوان ایجاد نمی شود. اینها واقعیت های تلخ جامعه امروز است که باید حل شود. این مردمی که گفتند امام، گفتند جمهوری اسلامی و پشت رهبری ایستادند و به آقای هاشمی، آقای خاتمی و آقای روحانی رای دادند، انتظاراتی هم داشتند که برآورده نشده است. پس هرکسی نمی تواند با رهبری هماهنگ باشد، نمی تواند همانگی قوای سه گانه را رقم بزند و نمی تواند تکنوکرات ها و فن گراهای کشور را گرد هم آورد در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکند. شرایط امروز ایران بسیار شرایط سختی برای مردم شده است؛ هرکس که جوانمرد و فداکار است، می تواند با همه کار کند و همه را با هم همسو کند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند.

سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی ایران گفت:

آقای خاتمی حقیقتا واقع بین و دلسوز کشور است. اساسا یکی از پارامترهای مهمی که در تعریف اصلاحات وجود داشته این بوده که اصلاحات هیچ وقت مردمش را تنها نگذاشته است، یعنی اصلاحات پشتیبان مردم و اصلاح طلبان حامی مردم بوده اند. اصلاح طلبان درد مردم را درک کرده اند و مردم هم به همین دلیل در مقاطعی پشتیبانی فوق العاده ای از اصلاح طلبان کردند.

او گفت:

ما باید در آینده نه خیلی دور و در میان مدت به نقطه ای برسیم که کشور مجلس دائمی نمی خواهد و نمایندگی نباید شغل تلقی شود؛ هرچند وضع فعلی تفسیری است که فعلا شورای نگهبان از نمایندگی دارد اما در هیچ جای دنیا مجلس دائمی وجود ندارد که ۲۹۰ نفر دائم کنار هم بنشینند و در کار دولت دخالت کنند یا بخواهند قانون اضافی بنویسند. نمایندگی یک سیمت از ناحیه مردم است و هرکسی باید سر کار خودش باشد، مثلا یکی استاندار و یکی معاون استاندار، یکی کارمند اداره برق و یکی معلم بوده است، اینها همه باید سر کار خودشان باشند و ماهی یک تا ۳ بار اگر مصوبه ای لازم است به نمایندگی از ملت کنار هم جمع شوند و رای دهند و داشتن چیزی به نام قوه مقننه و داشتن یک مجلس دائمی هیچ سازگاری با اداره کارآمد کشور ندارد. ۲۹۰ نفر آدم می آیند، به مردم قول می دهند و نمی توانند به هیچ کدام از قول هایشان هم عمل کنند چون قول هایی داده اند که اصلا ربطی به مجلس ندارد. مثلا یک استاندار یا یک وزیر باید این کارها را می کرده و آنها از طرف دیگران یکسری قول ها بدون توجه به امکانات داده اند و حالا می خواهند این کارها را محقق کنند و عده ای دوست و رفیق دارند که می خواهند آنها را در سیستم جا دهند. صبح تا شب باید از وزیر سؤال کنند و با وزیر توافق کنند که یک نفر را مثلا در اداره راه بگذارند که تهدید به استیضاح کنند تا جاده ای برایشان آسفالت شود و این کاری است که الان متأسفانه در کشور ما رایج شده است. ما در میان مدت باید به این جمع بندی در مجموعه نظام برسیم که کشور به مجلس دائمی نیاز ندارد و نمایندگان باید گاهی متناسب با نیازهای کشور جمع شوند و از طرف ملت قانونی را تصویب کنند. اکنون ۲۹۰ نفر را به تهران می آوریم، اینها می خواهند خانه اجاره کنند و پولی برای رهن کردن ندارند، زمانی که به او پول می دهند می گویند فلان نماینده انقدر پول گرفته و دائم از این حرف های مسخره بازی مطرح می شود؛ نماینده ای که قبلا کارمند، استاد دانشگاه، معلم و ... بوده سرچایش بماند و خانه و زندگی را داشته باشد و هر از گاهی در مجلس دور هم جمع شوند و در پارلمانی که تشکیل شده یک قانونی را تصویب کنند و دوباره به خانه هایشان بازگردند. از طرفی کشور به اینهمه قانون نیاز ندارد و در اجرا باید مسائلمان حل و فصل شود. اما در کوتاه مدت انتقادی که به مجلس یازدهم می شود این است که این مجلس تجربه اصولگرایان را هم با خودش حمل نمی کند.

برچسب ها: [انتخابات](#) [1][رهبر انقلاب](#) [2][اصولگرایان](#) [3][اصلاح طلبان](#) [4]